

## بازاندیشی در پدیده تکرار پایه

نوشته: دکتر محمد حسنی \*

### چکیده

یکی از مسائلی که بسیاری از کشورهای جهان با آن مواجه هستند پدیده تکرار پایه است. پدیده‌ای که سال‌هاست مورد نقد و علاقه دانشمندان واقع شده است. این پدیده در نظام آموزشی ما به طور رسمی سابقه ۸۰ ساله دارد و تنها در دهه سی به مدت کوتاهی تکرار پایه از سه پایه اول ابتدایی حذف شد. نظام جدید متوسطه هم حذف تکرار پایه را مد نظر خود داشت.

به رغم وجود برخی دلایل حمایت‌کننده، شواهد حاکی از آن است که تکرار پایه تأثیر مثبتی ندارد و حتی آثار منفی هم بر شخصیت دانش‌آموزان به جای می‌گذارد. به همین جهت باید این شیوه به دقت مورد بررسی قرار گیرد. بی‌شک تردید، در مفید بودن تکرار پایه نباید ما را به سوی شکل مقابل آن یعنی ارتقای خود به خودتحصیلی بکشاند، بلکه باید در پی شیوه سومی باشیم که ضعف‌های آن دورا نداشته باشد.

---

\* - رئیس گروه مطالعات دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی معاونت آموزش عمومی

« کلید واژه‌ها: تکرار پایه، مردودی، ارتقای خود به خود تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، ترک تحصیل.

این مقاله توسط جناب آقای دکتر محمد حسنی تدوین و به فصلنامه ارائه شده است که بدین وسیله از ایشان تقدیر و تشکر می‌نماییم.

### مقدمه

تکرار پایه (grade retention) پدیده‌ای است که سابقه دیرینه در نظام آموزشی جهان دارد. این مسأله زمانی شکل گرفت که مدارس پایه‌بندی شد و به جای مدارس یک‌کلاس- مانند مکتب‌خانه‌های سنتی- مجموعه‌ای از دانش‌آموزان که در سطح یکسانی قرار داشتند در یک کلاس یا طبقه تحصیلی قرار گرفتند. با ایجاد این مدارس، موضوع نحوه ارتقا به کلاس‌های بالاتر مسأله‌ای جدی و مهم شد.

به عقیده برخی صاحب‌نظران، این واقعه در قرن نوزدهم رخ داد (owings, kaplan 2001) (Steiner, ?) در آن زمان، ملاک‌های سخت و انعطاف‌ناپذیری وجود داشت که بر اساس آن نسبت به ارتقاء یا عدم ارتقای دانش‌آموزان تصمیم گرفته می‌شد. به کسانی که قادر به کسب این ملاک‌ها نبودند، فرصت تکرار پایه داده می‌شد تا با تکرار فعالیت یادگیری به ملاک‌های موردنظر برسند. این شیوه در بسیاری از کشورهای جهان اجرا شده و می‌شود.

می‌توان گفت که تکرار پایه برای دانش‌آموزانی به کار می‌رود که ضعف عملکرد تحصیلی داشته‌اند و برای تسلط بر موضوع‌هایی که یاد نگرفته‌اند و مهارت‌هایی که کسب نکرده‌اند، پایه مورد نظر را تکرار می‌کنند- البته گاهی تکرار پایه به سبب عدم حضور (غیبت) بیش از حد مجاز دانش‌آموز در جلسات درس اتفاق می‌افتد. در هر صورت، هدف تکرار پایه این است که عملکرد تحصیلی دانش‌آموز با دادن زمان بیش‌تر برای یادگیری افزایش یابد.

در کشور ما نیز این پدیده به همراه توسعه نظام آموزشی جدید که از دوره قاجاریه آغاز شده بود ظاهر گردید. به گونه رسمی آنچه از مصوبات شورای عالی معارف (آموزش و پرورش) برمی آید، این شیوه در نظام آموزشی ما کاملاً پذیرفته شده است. اولین سند رسمی شورای عالی آموزش و پرورش (معارف) در این خصوص در سال ۱۳۰۲ هـ.ش. تصویب شده است. این جریان در کشور ما در طول هشتاد سال گذشته همچنان تداوم داشته است و تنها در سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ (عملاً ۱۳۳۸-۱۳۳۵) (شهبازی، ۱۳۸۱) شیوه ارتقای خودبه خود تحصیلی در سه پایه اول اجرا شده است. گویی مردودی یا تکرار پایه یک اعتقاد جدی و یک اصل اساسی در نظام آموزشی ما بوده است. گفتنی است که یکی از هدف‌های نظام جدید آموزش متوسطه که طی دهه هفتاد در کشور اجرا شد، حذف تکرار پایه به شیوه خاص خود بوده است. هم‌اکنون نیز در پایه‌های دوم و سوم متوسطه تکرار پایه وجود ندارد.

این مقاله، تحلیلی بر ماهیت و دلایل موافق و مخالف تکرار پایه و کفایت شیوه مقابل آن، یعنی ارتقای خودبه خود دارد که در ادبیات تربیتی کشور، بر خلاف کشورهای دیگر، به آن کم توجه شده است.

### دلایل موافق تکرار پایه

زمانی که تکرار پایه به عنوان شیوه‌ای برای مقابله با ضعف عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان طرح و در نظام آموزشی به کار گرفته شد، بی‌شک دلایلی برای حمایت از آن وجود داشته و تداوم این شیوه تا کنون نیز به دلیل متقاعد شدن سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران بوده است.

به هر حال، جریان‌های فکری خاصی از شیوه تکرار پایه حمایت می‌کنند. طرفداران برتری آموزش (Educational Excellence)، یکی از این جریان‌ها هستند که معتقدند در زمانی که آینده ملتی در خطر باشد، کنار نهادن کسانی که در یادگیری می‌لنگند موجب می‌شود تا فضای پیشرفت مناسبی برای افراد

برتر فراهم آید. (Smith, Shepard, 1989) این گروه در تدوین سند آموزش آمریکا، تحت عنوان ملتی در خطر (A nation at Risk) دخالت داشته‌اند و در این سند از تکرار پایه حمایت کرده‌اند. ([www.ncrel.org](http://www.ncrel.org)) جریان دیگر، طرفداران نهضت برگشت به پایه<sup>۱</sup> (Back to Basic) هستند که با تکرار پایه موافق‌اند و ارتقای تحصیلی به شیوه خودبه‌خود (Social Promotion) را رد می‌نمایند. (میلر، ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۷۹). در این‌جا قبل از نقد شیوه تکرار پایه، به‌جاست که دلیل‌های موافق آن را بررسی کنیم.

### برنامه درسی و انتظارات آموزشی

نظام برنامه درسی نظامی است که به صورت رشد یابنده و صعودی تنظیم شده است و مراحل پیوسته و گام‌های متوالی به دنبال دارد. این تسلسل در گام‌ها، در روح و جان برنامه درسی جاری است. برنامه درسی در هر سطح دارای انتظارات و میزان‌هایی است که باید توسط دانش‌آموزان محقق شود. شاید بتوان انتظارات را مهارت، دانش و نگرش‌هایی دانست که پایه و مبنای گام‌های بعدی به شمار می‌رود.

این همان اصل توالی در برنامه‌ریزی درسی است. از این رو، کسی می‌تواند در این مسیر ارتقایی پیش برود که به این انتظارات رسیده باشد و اگر این حداقل‌های ضروری محقق نشود، بدون شک فرد قادر نیست که در پایه‌های بالاتر به موفقیت برسد.

شاه بیت استدلال برای تکرار پایه همین جاست. حال که این فرد خاص نتوانسته است به حداقل‌های ضروری دست یابد می‌بایست فرصتی دوباره به او داده شود تا در این فرصت به انتظارات آموزشی موردنظر دست یابد؛ یعنی

---

۱- این گروه اعتقاد دارند که تعلیم و تربیت آمریکا باید درس‌های اساسی مانند ریاضیات و علوم تجربی را مورد تأکید قرار دهد.

تلاش و کوششی را که در مرحله قبل بی نتیجه مانده است تکرار کند. بیان دقیق تر این استدلال آن است که تکرار پایه و دادن فرصت مجدد برای یادگیری موجب بهبود رشد و پیشرفت فرد در سال‌های بعد می‌شود.

این فرض اساسی و بنیادی پذیرش شیوه تکرار پایه در یک برنامه آموزشی است. به زبان تخصصی تر می‌توان چنین مدعایی را این گونه بیان کرد که وجود تکرار پایه در نظام آموزشی کارآیی بیرونی نظام را افزایش می‌دهد؛ یعنی این که افراد فارغ التحصیل از نظام، شایستگی لازم را کسب کرده‌اند.

از سوی دیگر این ادعا را که شیوه تکرار پایه در ذات و درون برنامه درسی است، می‌توان این گونه مستدل و مستند کرد که معلمانی که در درون این گونه نظام‌ها رشد یافته و تجربه کسب کرده‌اند با تکرار پایه موافق هستند. آن‌ها تکرار پایه را یک سیاست صحیح مدرسه‌ای و یک ابزار مؤثر برای جلوگیری از افت می‌دانند. به زعم پولیوت (poliot, 1999)، اعتقاد به تکرار پایه در بین معلمان ریشه در فرهنگ برنامه درسی مدرسه دارد. به اعتقاد تانر و کومبز (Tanner, Combs 1993)، قانون و سیاست نانوشته‌ای در بیان معلمان وجود دارد که بر اساس آن تکرار پایه شیوه مفید و قابل قبولی تلقی می‌شود. از نظر این معلمان تکرار پایه موجب بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموز می‌شود و موفقیت وی را در یادگیری‌های بعدی افزایش می‌دهد. اعتقاد به تکرار پایه چنان عمیق است که هاوس (Hause) آن را یک موضوع ایدئولوژیک تلقی می‌کند تا یک عقیده تربیتی (Sonou, 2001). منظور از ایدئولوژی، اعتقادات دینی نیست، بلکه نگرش‌های تربیتی است که به رغم وجود پاره‌ای شواهد مخالف، در عمل به شدت از آن حمایت می‌شود. این مفهوم شبیه مفهوم ایدئولوژی عملیاتی است که آیزنر آن را مطرح کرده است. (مهرمحمدی،

در ژنو معلمان اعتقاد دارند که تکرار پایه امری است که جانشین ندارد و بر اساس بررسی‌های اسمیت (Smith) مریان کودکستان در آمریکا معتقدند که کودکان از تکرار پایه سود می‌برند و معلمان فرانسه بر اساس پژوهش آقای لبولانگر (Lebou Langer) بر این باورند که مردودی فرصت بیش‌تر و آمادگی بهتر را به کودکان می‌دهد تا برای درس‌های آینده آماده‌تر شوند. (Sonou 2001) در ایران هم معلمان، تکرار پایه و دادن نمره به دانش‌آموزان را عامل برانگیزنده می‌دانند. (حسین‌زاده، ۱۳۸۰) همین موافقت بسیاری از معلمان با تکرار پایه می‌تواند دلیلی برای مطرح بودن و اعتبار آن باشد، گرچه بحث‌های زیادی به دنبال آن می‌توان طرح کرد.

### قدرت انگیزشی تکرار پایه

یکی دیگر از دلایل طرفداران تکرار پایه این است که وجود مردودی عامل انگیزشی قوی برای پیشرفت تحصیلی است. آن‌ها اعتقاد دارند که نگاه داشتن دانش‌آموز در یک پایه پیامی برای دانش‌آموزان ضعیف به همراه دارد که مضمونش این است که مدرسه تحمل کم‌کاری و ضعف در عملکرد تحصیلی را ندارد. این پیام پنهان باعث می‌شود که دانش‌آموزان کم‌کار، به طور جدی‌تر خود را برای پایه بالاتر آماده کنند. (Cunighan, Tompson, ?)

عدم وجود تکرار پایه در نظام آموزشی به این معنی است که تلاش و کوشش فردی به حساب نمی‌آید؛ به همین جهت افراد در این نظام به ساعتی می‌مانند که کوک فنر آن‌ها تمام شده است و از حرکت و پویایی وامانده‌اند. این قدرت انگیزشی برای معلمان هم به نحوی وجود دارد. زیرا آن‌ها تلاش می‌کنند تا کودکان را به انتظارات لازم و موردنظر برسانند و اگر تکرار پایه وجود نداشته باشد معلمان انگیزشی برای رساندن بچه‌ها به اهداف مورد نظر برنامه نخواهند داشت. در واقع به اعتقاد اینان، نظام پاداش و انگیزش در محیط‌های آموزشی با وجود سیاست تکرار پایه قوت و قدرت خواهد داشت.

این دلیل به دلیل دیگری مرتبط می‌شود که طرفداران تکرار پایه آن را طرح می‌کنند؛ یعنی این‌که با افزایش انگیزه یادگیری دانش‌آموزان در رسیدن به انتظارات آموزشی، کارآیی بیرونی نظام آموزشی افزایش می‌یابد.

### افزایش کارآیی بیرونی نظام آموزش

وجود تکرار پایه با این استدلال حمایت می‌شود که تکرار پایه با افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان، انگیزه شغلی در معلمان و انگیزه حمایت و کنترل در والدین موجب می‌شود که محصولات نظام آموزشی مطابق با استانداردها باشد. افزایش کارآیی بیرونی باعث می‌شود هزینه سنگینی که جامعه و خانواده در آموزش و پرورش صرف کرده است، بازده مطلوب داشته باشد. به عبارت دیگر، در صورت عدم وجود چنین نظام انگیزشی و کاهش سطح دانش و مهارت و بینش محصولات نظام آموزشی، جامعه متحمل خسارت هنگفتی خواهد شد. حتی خود دانش‌آموزان سرمایه عمر خود را بیهوده از دست داده و بدون کسب مهارت‌ها و دانستنی‌های ضروری وارد اجتماع می‌شوند.

### دلایل مخالف تکرار پایه

به رغم وجود دلیل‌های ذکر شده در خصوص تکرار پایه، این الگو از همان آغاز با نگاهی تردیدآمیز به نتیجه‌بخش بودن آن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. تورندایک در سال ۱۹۰۸ تحقیقاتی درباره تکرار پایه داشته و در مطالعات خود بین تکرار پایه و ترک تحصیل رابطه یافته است<sup>۱</sup> به طور کلی، پژوهش‌های زیادی تکرار پایه را مورد بررسی قرار داده‌اند که در این بخش به جمع‌بندی مشکلات مرتبط با شیوه تکرار پایه می‌پردازیم.

۱- در آن زمان به جای تکرار پایه به اصطلاح (Retarded Progress) یا (Retardation) و به جای ترک تحصیل (Elimination) به کار برده می‌شد.

## عدم تأثیر تکرار پایه بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز

یکی از دلایل اساسی برای پشتیبانی از سیاست تکرار پایه، همانا افزایش سطح پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز است. به عقیده طرفداران این سیاست با مردود کردن دانش‌آموزی که به میزان‌ها و مهارت‌های لازم نرسیده است، آمادگی او برای پیشرفت در پایه‌های بالاتر بیش‌تر می‌شود و به اصطلاح عوام، پایه دانش‌آموز قوی‌تر می‌گردد. این فایده تصور عامی است که از تکرار پایه انتظار می‌رود. اما بر خلاف این دیدگاه، نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که تکرار پایه در پیشرفت تحصیلی کودکان تأثیری ندارد. در حقیقت کم‌تر پژوهشی یافت می‌شود که از این فرضیه دفاع کرده باشد و برعکس، در عمل نشان داده شده است که دانش‌آموزان مردودی در سال‌های آتی تغییر محسوسی در روال تحصیلی خود نداشته‌اند.

در سال‌های ۱۹۳۰ پژوهشگران گزارش دادند که تکرار پایه تأثیر منفی بر پیشرفت تحصیلی دارد ([www.ncrel.org](http://www.ncrel.org))، اتسو (Otto) در سال ۱۹۵۱ خاطر نشان کرد که تکرار پایه هیچ ارزش تربیتی ندارد و آنچه دانش‌آموزان مردود شده از تکرار پایه به دست می‌آورند، بسیار کم‌تر از آن چیزی است که دانش‌آموزان ارتقاء یافته کسب کرده‌اند (در سطح تحصیلی برابر). (همان)

گروهی از پژوهشگران در تحلیل خود بیان کرده‌اند که تکرار پایه در دوره ابتدایی موجب افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ضعیف نمی‌شود. (Walters et al, 1995) سه پژوهشگر دیگر اظهار کرده‌اند که تکرار پایه بی‌تأثیر است. (Weldom, Jenet, 1999) همچنین ماتيو (Mathews) و هولمز (Holms) در سال ۱۹۸۴ در آمریکا نشان داده‌اند که تکرار پایه داشته‌اند نسبت به دانش‌آموزان مشابه که تکرار پایه نداشته و ارتقاء یافته‌اند دارای پیشرفت کمتری بوده‌اند. فوستر (Foster) و هاروی (Harvey) در دهه ۹۰ به نتایج مشابه رسیده‌اند. ([www.idra.org](http://www.idra.org)) محقق دیگری در ایالت یوتای



(Utah) آمریکا نشان داد که تکرار پایه از جنبه‌های تحصیلی و شخصیتی برای دانش‌آموزان سودمند نیست. (Niklason, 1987).

محقق دیگری از اروپا درباره بی‌تأثیر بودن تکرار پایه می‌نویسد: "در حقیقت اگر موضوعی وجود داشته باشد که صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در مورد آن موافقت داشته باشند، موضوع تکرار پایه است. آن‌ها به اتفاق اعتقاد دارند که تکرار پایه راه‌حل ناعادلانه‌ای است و از نظر تربیتی فاقد تأثیر بوده و بسیار گران است و در فرآیند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در سال‌های بعد تأثیر چندانی ندارد." (Sonou, 2001) شپارد و اسمیت اظهار داشته‌اند که تکرار پایه در سال‌های اول مخاطره‌آمیز است و اگرچه در برخی شرایط خاص می‌تواند مفید واقع شود، اما در مجموع خطرات جدی به همراه دارد. بنابراین اظهار آن‌ها، دانش‌آموزانی که در سال‌های اول مردود می‌شوند، در سال‌های بعد از نظر عاطفی و تحصیلی در حد کمتر از انتظار ظاهر شده‌اند (www.Idra.org) (Smith, Shepard, 1989) بررسی ۶۶ مقاله که طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ درباره تکرار پایه نوشته شده است، نشان می‌دهد که در ۶۵ مقاله از تکرار پایه حمایت نشده است. (Owings, Kaplan, 2001) در مجموع، نتایج پژوهش‌های به جای مانده از ۷۰ سال نشان می‌دهد که:

۱- تکرار پایه تأثیری مثبت بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ندارد.

۲- در مقایسه با دانش‌آموزان هم‌سطح، دانش‌آموزانی که ارتقا یافته‌اند پیشرفت تحصیلی بهتری داشته‌اند. (Ibid)

بررسی‌های طولی در خصوص تأثیر تکرار پایه در سال‌های پایان تحصیلات (متوسطه) و انتخاب شغل و استخدام نشان می‌دهد که تکرار پایه تأثیر مثبت ندارد و حتی در مقایسه با دانش‌آموزان هم‌سطح، عملکرد دانش‌آموزان مردودی کم‌تر است. (Jimerson, 1999)

برخی پژوهشگران، از نظر روش‌شناسی، به این پژوهش‌ها ایرادهایی وارد کرده‌اند (Banen et al, 1980) و (Steiner, ?)، اما در مجموع شواهد حاکی از تأثیر ناچیز یا فقدان تأثیر سیاست تکرار پایه است. پژوهشگرانی که تأثیر مثبت در تکرار پایه یافته‌اند نشان داده‌اند که مزایای تکرار پایه سال به سال کم‌تر می‌شود به طوری که تا سال سوم بعد از مردودی اثرهای سودمند از بین می‌رود. (Cunnighan, Tompson, ?) البته اثرهای مثبت تکرار پایه به نوع خاصی باز می‌گردد که در آن بعد از تکرار پایه، دانش‌آموزان از حمایت‌های ویژه آموزشی برخوردار می‌شوند.

در ایران هم پژوهشی در این خصوص انجام گرفته است که نشان می‌دهد تکرار پایه در روند پیشرفت تحصیلی کودکان تأثیری ندارد. در این پژوهش با کنترل عوامل هوش و پایگاه اجتماعی و مقایسه دو گروه مردود شده‌ها و مردود نشده‌ها (با معدل پایین)، این نتیجه حاصل شده است. (علی‌شاهی، ۱۳۸۰)

بر این اساس حتی اگر فرض وجود تأثیر منفی تکرار پایه را نپذیریم، می‌توان گفت که این امر تأثیر مثبت قابل توجهی نیز به همراه ندارد. به همین دلیل اساسی که وقتی دانش‌آموزی مردود می‌شود، بدون توجه به دلایل و عوامل ایجادکننده یا زمینه‌ساز، در حالت قبل نگاه داشته می‌شود، یعنی وضعیت آموزشی سال بعد برای کودک تغییری نمی‌کند تا تأثیری مثبت به همراه داشته باشد. حتی عواملی وارد زندگی تحصیلی او می‌شود که ممکن است کاهش افت بیشتر ایجاد کند. در واقع تنها این‌گونه فرض می‌شود که این کودک فرصت کمی برای یادگیری داشته است پس باید فرصت دوباره‌ای به او داده شود. یا این که فرض می‌شود کودک اهمال و سستی کرده است و باید با تکرار پایه او را وادار به تلاش بیشتر کرد. اما این فرض‌ها طبق شواهد مذکور، در بیش‌تر موارد مخدوش و نادرست است؛ چون در سیاست تکرار پایه بدون

توجه به عوامل و شرایط متفاوت مداخله‌گر در افت تحصیلی و بدون تغییر در آن‌ها از کودک انتظار می‌رود با یک سال بیش‌تر نشستن بر روی صندلی‌های کلاس قبلی پیشرفت بهتری داشته باشد.

### دلایل ضعف عملکرد تحصیلی کودکان بسیارند

ضعف عملکرد تحصیلی پدیده پیچیده‌ای است که شناخت همه‌جانبه آن در یک پژوهش واحد ممکن نیست. اما پژوهش‌ها و بررسی‌های بسیاری در این‌باره صورت گرفته که هر یک برخی از علت‌ها و متغیرهای مؤثر در آن را مورد ارزیابی قرار داده است.

برخی از این عوامل را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

- کیفیت آموزشی در آموزشگاه (بلوم، ترجمه سیف، ۱۳۶۳)، (Druan, Butler, ?) (کیوز، ترجمه رئیس دانا، ۱۳۷۵)

- معلم (ساک، ۱۳۷۳) (کلیدور، ۱۳۷۲) (منادی، ۱۳۷۳، ۱۳۷۲) (کیوز، همان)

- برنامه‌ریزی درسی و شیوه مدیریت آموزشی در نظام آموزشی (نادری‌نیا، ۱۳۷۰) (گلاسر، ترجمه ساده، ۱۳۸۰) (کیوز، همان)

- سطح سواد و وضعیت فرهنگی والدین (حسن انزایی، ۱۳۷۲)، (رحیمی، ۱۳۷۲)

- شغل والدین، فوت والدین، مسکن، تعداد اعضای خانواده و محل تولد (خیر، ۱۳۶۷، ۱۳۶۴)

- فقر اقتصادی خانواده و دوزبانه بودن (دزفولیان، ۱۳۷۱)، (ابراهیمی، باقری، ۱۳۷۱)

- ویژگی‌های فردی مانند سن، ردیف تولد و سلامت جسمانی (سالاری، ۱۳۷۶)

- جنسیت، نقص شنوایی و گویایی، وزن کم هنگام تولد و در معرض دود سیگار بودن (www.ncrel.org)

- و عوامل بسیار دیگر

گروهی از پژوهشگران هم به طبقه‌بندی این عوامل پرداخته و هر یک از زاویه مخصوصی آن را در طبقات خاصی دسته‌بندی نموده‌اند. کیوز (ترجمه رییس دانا، ۱۳۷۵) امین‌فر (۱۳۶۷) و گلنار (۱۳۷۵) تقسیم‌بندی‌هایی را ذکر کرده‌اند.

تئوری‌هایی نیز برای تبیین و توصیف دلایل این پدیده، یعنی ضعف عملکرد تحصیلی کودکان ارایه شده است که عبارتند از: ضعف‌های فردی، خانواده، ناکارآمدی مدرسه و تفاوت‌های فرهنگی. در میان این چهار تئوری تنها تئوری نخست، فرد را عامل اصلی شکست می‌داند. البته روشن است که بسیاری از عوامل فردی در اختیار خود فرد نیست. (deschenas et al, 2001)

هدف مقاله حاضر بررسی دقیق این موضوع نیست، بلکه منظور روشن شدن این مطلب است که ضعف عملکرد دانش‌آموز نتیجه و حاصل ضعف در عناصر زیادی در نظام آموزشی خانواده و جامعه است و نقش دانش‌آموز در این میان بسیار کم و ناچیز است. این واقعیت در دوره آموزش عمومی و پایه‌های اول آن آشکارتر است؛ زیرا کودک به نتایج و تبعات تحصیل خود آگاهی ندارد. بدین ترتیب، افت تحصیلی بیش‌تر ناشی از قصور نظام آموزشی و قصور جامعه است تا قصور فردی. (امین‌فر، ۱۳۶۷) یونسکو هم در تحلیل عوامل افت تحصیلی ۱۶ عامل را شناسایی کرده که در هیچ‌یک، فرد عامل اصلی شناخته نشده است. (دفتر پژوهش نظام‌های آموزش جهانی، ۱۳۶۵)

با این تحلیل روشن می‌شود که سیاست تکرار پایه در اصل پاسخی است که نظام آموزشی به ضعف‌های خود می‌دهد. واکنشی که می‌توان آن را یک رفتار دفاعی از نوع جابه‌جایی دانست که در حقیقت خطاست. در واقع نظام

آموزشی باید ابتدا خود را به دلیل ضعف‌هایی که در رساندن کودکان به حداقل انتظارات آموزشی دارد اصلاح نماید؛ نه این‌که بدون هیچ تغییری در خود، کودکان را وادار به تکرار پایه کند. در تکرار پایه، کودک به همان شرایط سابق (بدون هیچ تغییری) بازگردانده می‌شود و از او انتظار می‌رود از زمینی که حاصلی برنگرفته است دوباره کشت و برداشت نماید.

### آثار منفی تکرار پایه بر دانش‌آموزان

تکرار پایه نه تنها اثر مثبتی بر پیشرفت تحصیلی ندارد، بلکه تأثیر و عوارض نامطلوب هم بر شخصیت دانش‌آموزان بر جای می‌گذارد. یکی از عوارض جبران‌ناپذیر تکرار پایه بر روی شخصیت دانش‌آموزان، کاهش عزت نفس (Self Esteem) و خودپنداره (Self Concept) آن‌هاست. وایت و همکاران در پژوهشی نشان دادند که بین شکست تحصیلی و عدم خودپنداره مثبت رابطه وجود دارد. در واقع شکست تحصیلی با خودپنداره منفی همراه است. در دانش‌آموزانی که بیش از یک بار مردود شده‌اند، این خودپنداره منفی‌تر بوده است. (White et al, 1995) کاهش اعتماد به نفس حاصل این شکست‌هاست (پرکی، ۱۹۸۶، ترجمه میرکمالی)، (بلوم، ترجمه سیف، ۱۳۶۳) که بزرگ‌ترین عامل تعیین‌کننده روند آتی زندگی، به‌خصوص زندگی تحصیلی اوست. بدین‌سان، دانش‌آموز اندک اندک نسبت به مدرسه، معلم و دانش‌نگرش منفی پیدا می‌کند، به گونه‌ای که از مدرسه روی‌گردان می‌شود و در نهایت، ترک تحصیل و رویدادهایی مانند این‌ها اتفاق می‌افتد. (www.Ncrel.org) (www.nysd.gov)

یکی دیگر از آثار منفی تکرار پایه، افسردگی است. در یک پژوهش انجام شده، بین افت تحصیلی (مردودی و تجدیدی) و افسردگی رابطه مثبت دیده شده است. بنابر گزارش پژوهشگر فوق، تحقیقات خارج از کشور هم این نتایج را تأیید می‌کند. (الیاسی، ۱۳۷۰)

یکی از عوارض تکرار پایه، مشکلات انطباق و سازگاری با مدرسه است (Cunnighan, Tompson?) در یک پژوهش نشان داده شد که افت تحصیلی و مردودی یکی از عوامل مؤثر در خرابکاری امومی (Wandalism) توسط دانش‌آموزان شهر تهران بوده است. (جمشیدی، ؟) فراتحلیل‌های هولمز و ماتیو نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که تکرار پایه داشته‌اند، در زمینه‌های سازگاری اجتماعی، نگرش نسبت به مدرسه، خودپندار و جنبه‌های عاطفی و اجتماعی ضعیف‌تر از گروه همت بوده‌اند. همین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها در زمینه پیشرفت تحصیلی هم از گروه همتا ضعیف‌تر بوده‌اند. (کیامنش، ۱۳۸۲) جیمرسون در فراتحلیل دیگر همین نتایج را مشاهده کرده است. (Jimerson, 2001)

اگرچه چگونگی و نوع تأثیر شکست‌ها و تکرار پایه‌ها بر شخصیت کودک تا حدودی به تجربیات و زمینه‌های فردی و خانوادگی و حتی اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند؛ اما باید توجه داشت که به طور طبیعی کودکان چنین شکستی را بر نمی‌تابند و آن را منفی ارزیابی می‌کنند.

همچنین نشان داده شده است که بین مردود شدن و ترک تحصیل رابطه معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که اگر دفعات مردودی به ۲ بار برسد احتمال ترک تحصیل به ۹۰٪ می‌رسد. تحقیقات زیادی این واقعیت را آشکار کرده است.<sup>۱</sup> (ایزمن، ترجمه حمیسی، ۱۳۷۸) (Owings, Magliaro, ۱۹۹۸)، واقعیتی که بسیار هشداردهنده است، زیرا ورود دانش‌آموز به جامعه بدون کسب مهارت‌های لازم برای زندگی، آثار و عواقب خطرناکی به همراه خواهد داشت. برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد که افراد معتاد بزهکار در دوره تحصیلات

۱- در پایگاه اطلاعاتی Ncrel از چند پژوهش نام برده‌اند که این ارتباط را روشن کرده است. قبلاً هم ذکر شد که ثورندایک بد این ارتباط اشاره کرد. (Berlman, ۱۹۴۹) (Dawson, ۱۹۹۸) (۱۹۸۹)، (Shepard, Grisson)

خود دچار افت تحصیلی بوده‌اند. امراله ابراهیمی و دیگران (۱۳۷۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که بیش‌تر معنادان تحصیلات کم‌تر از دوره راهنمایی داشته‌اند. با محدود شدن دسترسی فرد به محیط‌های آموزشی غنی، فرصت افزایش کیفیت زندگی از وی گرفته می‌شود و به سبب کافی نبودن مهارت‌های لازم در زندگی پیچیده اجتماعی، شکست‌های دیگر را برای او به همراه می‌آورد.

اخراج زودرس دانش‌آموزان از مدرسه به معنی حضور ناهنگام آنان در کوچه و خیابان است. از آن‌جا که آمار نشان می‌دهد مردودی‌ها به ط‌گور عمده در مناطق محروم<sup>۱</sup> هستند، این دانش‌آموزان به شدت تحت تأثیر آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. با این کار هزینه‌های اجتماعی پنهان افزایش می‌یابد؛ زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش آموزش عمومی جامعه، هزینه‌های عمومی را در ارتباط با بهداشت عمومی، فقر، جرایم، ترافیک و غیره کاهش می‌دهد. (فرجاد، ۱۳۶۸) در واقع، با اخراج زودرس کودکان از مدرسه احتمال بزهکار شدن، معتاد شدن و رشد ناقص اجتماعی آنان را افزایش داده‌ایم.

ارتباط بین ترک تحصیل و دفعات تکرار پایه، واقعیت دیگری را آشکار می‌کند که در ذات خود مانع دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی است؛ یعنی با تکرار پایه (مردود کردن) دانش‌آموز، امکان خروج وی از نظام آموزشی بیش‌تر می‌شود و در این صورت (ترک تحصیل یا اخراج) او از نعمت آموزش محروم می‌گردد. اما این پدیده با اصول اساسی آموزش و پرورش و قانون

---

۱- آمار نشان می‌دهد که در استان‌های محروم و در روستاها میزان مردودی بیش‌تر است. برای اطلاع بیش‌تر به مقاله "تکرار پایه ارتقای خودبه‌خودی و برابری فرصت‌های آموزشی در دوره ابتدایی تألیف دکتر کیامنش مراجعه کنید. این مقاله در همایش ارزش‌یابی تحصیلی که آذرماه ۸۲ برگزار شد، ارائه گردید.

اساسی که دولت را موظف به فراهم ساختن فرصت‌های برابر آموزشی کرده در تعارض است.

اگر هدف تکرار پایه این است که دانش‌آموزان دارای ضعف عملکرد را به حداقل مهارت‌ها و دانش برسانند، شواهد نشان می‌دهد که تکرار پایه برای این گروه یا بی‌تأثیر است یا تأثیر چندانی به همراه ندارد؛ زیرا فرصت مجدد بدون تغییر در عوامل دیگر، در بهبود عملکرد تحصیلی نقش نخواهد داشت. روشن است که ضعف عملکرد کودک در بیش‌تر موارد به سبب کم بودن فرصت زمانی نیست، بلکه دلایل پیدا و پنهان دیگری در کار است که بدون حذف آن‌ها نمی‌توان انتظار داشت که با تکرار پایه کودک به آمادگی مطلوب و کسب دانش و مهارت لازم برسد.

ادعا می‌شود که وجود تکرار پایه، عامل برانگیزنده دانش‌آموز و معلم است تا به طور جدی تلاش کنند و به سطح انتظارات آموزشی برسند. بدون شک اهرم‌های تقویتی که منشأ بیرونی دارند، به پیشرفت تحصیلی کمک می‌کنند؛ اما نظامی که بر این اهرم‌های بیرونی، آن هم از نوع تهدیدکننده (اگر درس نخوانی مردود می‌شوی)، تأکید بسیار می‌کند تا چه حد انسانی است؟ و حتی این که این عامل تقویت به چه میزان توانسته است کودکانی را که ضعف عملکرد تحصیلی دارند به راه بیاورد؛ خود جای بحث دارد. شواهدی وجود ندارد که نشان دهد این گروه با وجود این عامل به اصطلاح انگیزشی بهبود عملکرد داشته‌اند؛ بلکه برعکس این گروه با تکرار پایه اثرات نامطلوب روانی دیگری را تجربه می‌کنند.

گفته شد که با وجود امکان تکرار پایه و بالا بردن سطح عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، عملاً کسارایی بیرونی، یعنی سطح مهارت و دانش محصولات نظام آموزشی، بالا می‌رود و از این راه خسارت اقتصادی آموزش و پرورش کاهش می‌یابد. به فرض بالا بردن سطح عملکرد تحصیلی - که این فرض به شدت



مورد تردید است - تکرار پایه از چند جهت خسارت مالی به اقتصاد آموزش و پرورش وارد می‌سازد. اول، از آن جهت که هزینه مجددی صرف تکرار تحصیل در یک پایه می‌شود و از جهت دیگر، پدیده ترک تحصیل ناشی از افزایش دفعات مردودی خود به نوعی کارآیی بیرونی نظام آموزشی را در خطر کاهش قرار می‌دهد و در واقع موجب کاهش کارآیی درونی و بیرونی می‌شود.

تکرار پایه از سوی دو نظریه حمایت می‌شود: اول این نظریه که افست تحصیلی را به ضعف‌های فردی نسبت می‌دهد که بر اساس آن در هر شکست نقش ضعف‌های فردی جدی است و بنابراین فرد باید خود را با نظام آموزشی منطبق سازد. نظریه دوم از روان‌شناسی رفتارگرایی سرچشمه گرفته است که "تکرار" را از اصول اساسی یادگیری می‌داند. در حقیقت این دو نظریه که مکمل همدیگرند، در دیدگاه‌های جدید مورد مناقشه جدی قرار گرفته‌اند و به سختی می‌توان آن را مبنای محکمی برای پذیرش تکرار پایه دانست.

بر این اساس می‌توان گفت که تکرار پایه سیاستی نیست که شواهد و قرائن از آن حمایت کنند و باید به دقت مورد نقد قرار گیرد و چاره‌ای برای آن اندیشیده شود.

کاهش نرخ تکرار پایه در یک نظام آموزشی مستقیماً منجر به افزایش کارآیی درونی نظام آموزشی می‌شود (امین‌فر ۱۳۶۵). کاهش این نرخ نشان‌گر پیشرفت و بهبود اساسی در امر آموزش و پرورش خواهد بود (دفتر پژوهش نظام‌های آموزشی جهان، ۱۳۶۵). گرچه افزایش کارآیی درونی در صورتی واقعاً محقق خواهد شد که محصول با ثابت نگاه داشتن هزینه‌ها از نظر کمی و کیفی افزایش یابد، اما بسیاری از سیاست‌گذاران بدون توجه به این واقعیت تنها به کمیت و تعداد محصولات توجه کرده و مسأله کیفیت محصولات را نادیده گرفته‌اند. به همین سبب تصور می‌کنند با کاهش نصاب قبولی و با اضافه کردن تبصره‌ها و کاهش آماری تعداد تکرارکنندگان پایه، کارآیی بالا رفته است. این

برخورد کمی با تکرار پایه یک درمان موقت و چاره کوتاه مدت است و برخی از آثار بد آن را حذف می‌کند، اما در حقیقت در کیفیت یادگیری دانش‌آموزان تغییر اساسی ایجاد نمی‌کند، یعنی در این راه‌حلی، دانش‌آموز نادیده گرفته می‌شود و بیش‌ترین تلاش برای حل مشکل نظام آموزشی است تا حل مشکلات یادگیری دانش‌آموزان.

### یک شیوه بدیل: ارتقای خودبه‌خود تحصیلی

تحلیل فوق از پدیده تکرار پایه به آن معنی نیست که ما را به سرعت به سوی شیوه بدیل یعنی ارتقای خود به خود بکشاند. ارتقای خودبه‌خود تحصیلی Automatic promotion سیاستی است که در آن دانش‌آموزان بر اساس سن در پایه‌های تحصیلی گروه‌بندی می‌شوند و بر اساس سن به پایه‌ای بالاتر ارتقا می‌یابند. در این الگو ملاک ارتقاء تنها پیشرفت تحصیلی نیست و لذا در این شیوه تکرار پایه وجود ندارد؛ چون اعتقاد بر این است که رشد روانی کودک در عمل متوقف نشده است تا تکرار پایه وجود داشته باشد. گسترش بین‌المللی این شیوه نشان از مطلوب بودن آن دارد.<sup>۱</sup>

طرفداران این شیوه مشکلات مورد بحث درباره تکرار پایه را به عنوان دلایل حمایت‌کننده از شیوه ارتقای خودبه‌خود طرح می‌کنند و در عین حال از این شیوه با دلایل دیگر هم حمایت می‌نمایند.

ادعا می‌شود که این شیوه باعث هماهنگی سنی کودکان در پایه‌ها می‌شود و از تأثیر مخرب دانش‌آموزان بزرگ‌تر بر کوچک‌ترها جلوگیری می‌کند (۲۰۰۱، Owings, Kaplan). همچنین طرفداران مدعی هستند که این روش موجب افزایش برابری فرصت آموزشی می‌شود و امکان دسترسی را برای همه به طور

۱- این شیوه در بسیاری از کشورها به کار گرفته می‌شود، از جمله کوبا (۱۹۹۴، Martin, Fauas) دانمارک (۱۹۹۴، Janson, Kkreiner) غنا (۱۹۹۴).

یکسان فراهم می‌کند (حسنی، ۱۳۸۲) و آثار منفی مردودی را بر شخصیت دانش‌آموزان و نظام آموزشی زایل می‌سازد. اما در عین حال، این شیوه مسایل و مشکلات خاصی دارد که بسیار اساسی جلوه می‌نماید.

### کاهش انگیزه برای یادگیری

وقتی در شیوه ارتقای خودبه‌خود تمامی دانش‌آموزان در هر سطحی از دسترسی به اهداف و انتظارات آموزشی باشند، به پایه بالاتر ارتقا می‌یابند. در واقع بین عمل دانش‌آموز ساعی و کم‌کار هیچ تفاوتی گذاشته نمی‌شود و از این رو انگیزه‌ها از بین می‌رود ([www.aft.org](http://www.aft.org))([www.ncrel.org](http://www.ncrel.org)). بر این اساس، مرگ انگیزش پیشرفت تحصیلی به همراه ارتقای خودبه‌خود مشاهده می‌شود و این شیوه قادر نیست تمایزی بین دانش‌آموزان کوشا و کم‌کار بگذارد ([www.sreb.org](http://www.sreb.org)). ارتقای خودبه‌خود به طور ضمنی به دانش‌آموزان می‌فهماند که برای ارتقا به فعالیت ذهنی چندانی نیاز نیست و این یعنی افزایش بی‌رغبتی در یادگیری (Owings, kaplan, ۲۰۰۱)

### عدم تحقق انتظارات آموزشی

بی‌تردید با شیوع این حالت در دانش‌آموزان و به نوعی دیگر در معلمان انتظارات آموزشی پیش‌بینی شده در برنامه درسی محقق نخواهد شد؛ یعنی معلم و دانش‌آموز علاقه‌ای برای دست یافتن به اهداف پیش‌بینی شده در جریان یاددهی یادگیری نخواهند داشت.

### افزایش خسارت اقتصادی به نظام آموزشی

به اعتقاد منتقدان بنابر دلایل بالا و به تبع وضعیت ایجاد شده در این شیوه، دانش‌آموزان بدون داشتن اطلاعات، دانش، مهارت و نگرش مناسب وارد اجتماع می‌شوند و هزینه‌های هنگفتی که سال‌ها صرف آموزش آن‌ها شده هدر می‌رود. یعنی ارتقای خودبه‌خود، ضعف عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را

نادیده گرفته و آن را پنهان می‌سازد و آن‌ها را با همیمن وضعیت به جامعه سرازیر می‌کند (www.nysd.gov). به عبارت روشن‌تر، کسارآیی بیرونی نظام آموزشی کاهش می‌یابد؛ زیرا برون‌داده‌های "نظام" دانش و مهارت مناسب و کافی برای زندگی در جامعه را کسب نکرده‌اند و به اصطلاح بی‌سواد از نظام آموزشی خارج شده‌اند. پس می‌توان گفت شیوه بدیسل تکرار پایه واجد مشکلات جدی و اساسی است، جیمرسون (۲۰۰۱، Jimerson) در یک فراتحلیل از تحقیقاتی که درباره تکرار پایه ارتقای خودبه‌خود انجام داده است می‌گوید: "هر دو شیوه یعنی ارتقای خودبه‌خود و تکرار پایه هیچ‌یک ضعف عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را مورد ملاحظه قرار نمی‌دهند. به سخن دیگر، در شیوه تکرار پایه تمامی عوامل مؤثر بر ضعف عملکرد تحصیلی کودک نادیده گرفته می‌شود و تنها خود کودک جدی و اساسی تلقی می‌شود. در شیوه ارتقای خودبه‌خود نیز ضعف‌های کودک پنهان می‌ماند. بر این اساس، طرفداران هر دو شیوه به نحوی تلاش کرده‌اند که با دست‌کاری در شیوه خود آن را از حالت ساده خارج سازند و این ضعف‌ها را از چهره آن بزدایند. برای مثال، در شیوه تکرار پایه سعی می‌شود با ارائه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی ویژه به تکرارکنندگان پایه، نقص این شیوه را تا حدی جبران کنند و طرفداران ارتقای خودبه‌خود تحصیلی هم با شیوه‌های خاص، مشکلات آن را در یادگیری دانش‌آموز حذف نمایند. اما به نظر می‌رسد ما نیازمند نگرشی از نوع سومی هستیم.

### آیا شیوه سوم قابل حصول است؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که راه‌حل سوم که میانه این دو شیوه است، تنها زمانی قابل حصول است که اساس آن بر بهبود کیفیت یادگیری دانش‌آموز باشد؛ یعنی در این شیوه توجه کاملاً بر دانش‌آموز و کیفیت یادگیری وی معطوف است (Jimerson, ۱۹۹۹).

اگر بخواهیم نامی برای این شیوه اختیار کنیم، می‌توانیم آن را "قبولی تضمینی" بنامیم. راه‌کارهای اساسی که در این شیوه دنبال می‌شود همه متوجه اصل محوری بهبود یادگیری است؛ به گونه‌ای که هر دانش‌آموزی که وارد کلاس می‌شود به حداقل انتظارات آموزشی نایل شود. دلالت عملی اصل فوق-یعنی تمرکز بر بهبود یادگیری این است که مدرسه و کلاس باید خود را با نیازهای آموزشی دانش‌آموزان منطبق سازد و این کاملاً بر عکس روند معمول در آموزش و پرورش است که دانش‌آموز ناچار است خود را با شرایط مشخص و غیرقابل انعطاف سازگار کند، وگرنه در تحصیل ناموفق خواهد بود. معلم و مدرسه باید آن‌چنان انعطاف داشته باشند که بتوانند متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان به آن‌ها خدمات آموزشی بدهند، یعنی باید تختخواب پروسکات<sup>۱</sup> از نظام آموزشی جمع شود. بحث بر روی جزئیات این شیوه مجال دیگری را طلب می‌کند، اما روشن است که رسیدن به چنین شیوه سوم هدفی است که نیازمند مجاهدت و سعی بسیاری است که در نوشتاری جداگانه به آن پرداخته خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- پروسکات نام راهزن افسانه‌ای است که شب‌هنگام مال‌باختگانش را بر تختخواب‌هایی می‌خواباند که اندازه مشخصی داشت. اگر مال‌باخته بینوا قدمش از تختخواب کوچک‌تر یا بزرگ‌تر بود، امر می‌کرد او را کوتاه کنند یا بشکنند تا قدمش به اندازه تختخواب شود.

## فهرست منابع

- ابراهیمی، امراله و دیگران (۱۳۷۷): خصوصیات اجتماعی و اقتصادی معنادان به مواد مخدر، مجله علوم پزشکی، سال دوم شماره ۴، ص ۳۰۸-۳۵.
- الیاسی، محمد حسین (۱۳۷۰): بررسی رابطه افسردگی با جدایی والدین، جنس، افت تحصیلی و طبقه اقتصادی و دانش‌آموزان چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان سنندج، دانشگاه علامه طباطبائی پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- امین‌فر، مرتضی (۱۳۶۷): علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
- امین‌فر، مرتضی (۱۳۶۵): افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش، فصلنامه آموزش و پرورش، شماره‌های ۷ و ۸.
- ایزمن، ت: راهبردهایی برای کاهش تکرار پایه، ترجمه منصورعلی حمیدی (۱۳۷۸): پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- بلوم، بنجامین (۱۳۶۳): ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشی، ترجمه علی‌اکبر سیف، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- پرکی، ویلیام (۱۹۸۶): خودپنداری و موفقیت تحصیلی، ترجمه سید محمد میرکمالی، یسطرون، تهران.
- جمشیدی، احمد (بی‌تاریخ): بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر خرابکاری اموال عمومی به وسیله دانش‌آموزان شهر تهران، شورای تحقیقات شهر تهران.
- حسن انزابی، ابوالفضل (۱۳۷۲): علل مردودی و ترک تحصیل در پایه‌های اول ابتدایی و اول راهنمایی مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- حسنی، محمد (۱۳۸۲): ارتقای خودبه‌خود تحصیلی، از آرمان تا واقعیت، همایش ارزش‌یابی تحصیلی، دفتر ارزش‌یابی تحصیلی و تربیتی تهران.

- حسینی، محمد (۱۳۸۲): نقد و بررسی الگوهای مقابله با شکست تحصیلی، دفتر ارزش‌یابی تحصیلی و تربیتی، تهران.
- خیر، محمد (۱۳۶۷): مقایسه علل شکست تحصیلی از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان، نشریه علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره‌های ۱ و ۲.
- خیر، محمد (۱۳۶۴): شکست تحصیلی و رابطه آن با زمینه خانوادگی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی مدارس شیراز، دانشگاه شیراز.
- حسین‌زاده، فتح‌الله (۱۳۸۰): آسیب‌شناسی نظام ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان جمهوری اسلامی ایران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران.
- دزفولیان، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱): بررسی علل افت تحصیلی در دوره ابتدایی، اداره کل آموزش و پرورش استان همدان، سند شماره ۴۲۹۸، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- دفتر پژوهش نظام‌های آموزش جهانی (۱۳۶۵): ضایعات تحصیلی در دوره ابتدایی در کشورهای جهان بین سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره‌های ۷ و ۸.
- رحیمی، علی (۱۳۷۲): بررسی ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی دانش‌آموزان پسر سال سوم راهنمایی با سابقه شکست تحصیلی در شهر تهران، دانشگاه تربیت معلم تهران، رساله کارشناسی ارشد.
- ساکی، رضا (۱۳۷۳): نگرش معلمان در مورد عملکرد شکست و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و ارتباط آن با موفقیت آن‌ها در تدریس، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۴.
- سالاری، محمد (۱۳۷۶): بررسی ویژگی‌های زیستی، شناختی و خانوادگی دانش‌آموزان دبستانی با سابقه مردودی و دانش‌آموزان برجسته شهر قوچان، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

- شهبازی، سید رحمت‌الله (۱۳۸۱): سیر تحول آیین‌نامه امتحانات از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۸۱ در نظام آموزش و پرورش ایران دوره عمومی، دفتر ارزش‌یابی تحصیلی و تربیتی معاونت آموزش عمومی.
- صالحی حسینی، مرتضی (۴): جوّ آموزشی و پیشرفت تحصیلی، مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا، شماره ۹.
- علیشاهی، مجید (۱۳۷۹): بررسی تأثیر تکرار پایه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در روند آتی تحصیلی آنان، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی.
- فرجاد، غلامعلی (۱۳۶۸): مهاجرت نیروی انسانی ماهر و اثرات آن در کشورهای جهان سوم، نخستین کنفرانس، برنامه‌ریزی توسعه، تهران.
- کیامنش، علی‌رضا (۱۳۸۲): تکرار پایه و ارتقای خودبه‌خودی و برابری فرصت‌های آموزشی در دوره ابتدایی، همایش ارزش‌یابی تحصیلی، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- کدیور، پروین (۱۳۷۲): تأثیر انتظارات معلم بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۳.
- کیوز، جان: دنیای یادگیری مدرسه، ترجمه فرح‌لقاء رئیس‌دانا (۱۳۷۵)، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- گلاسر، ویلیام: مدارس بدون شکست، ترجمه حمزه ساده (۱۳۸۰)، رشد، تهران.
- گلنار، مهناز (۱۳۷۵): بررسی علل ترک تحصیل دختران در مقطع آموزش ابتدایی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۶.
- منادی، مرتضی (۱۳۷۲): تفسیر شکست‌های تحصیلی از دیدگاه جامعه‌شناسی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۶ و ۳۷.
- منادی، مرتضی (۱۳۷۳): تأثیر طبقه‌بندی اجتماعی دانش‌آموزان بر تصور معلمان از پیشرفت تحصیلی آن‌ها، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۹ و ۴۰.



- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۲): نظام ارزش‌یابی از آموخته‌های دانش‌آموزان یا ایدئولوژی عملیاتی شده نظام آموزشی، همایش ارزش‌یابی تحصیلی، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- میلر، جی پی: نظریه‌های برنامه‌درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی (۱۳۷۹)، انتشارات سمت، تهران.
- نادری‌نیا، غلامرضا (۱۳۷۱): بررسی نگرش دانش‌آموزان، اولیا و معلمان کلاس پنجم نسبت به دروس سال پنجم ابتدایی و ارتباط آن با درصد تجدیدی، شورای تحقیقات استان مرکزی.
- Ali. M (۱۹۹۴) **Bengladesh system of education**, From the International encyclopedia of education, Husen. T. (editor) Newyork.
- Banen.N.R. and others (۱۹۸۰) The effect of grade retention on elementary student Eric: ED ۱۹۶۵۵۶.
- Cunighan.E.K. Tompson.L.C.(?) **Retention and social promotion**, Eric Digest: L 61.
- Deschences.S, et al (2001) Mis match: historical perceptive on school and student who don't fit them, Teacher college Records Vol: 30
- Duran. G., Butler. J. (?) Effective schooling practices and at risk youth, www.sirs.com.
- Esiner. E. (1994) **Education Imagination**, Macmillan, New York.
- Freeman, G. et al, Proactive approaches to improving out comes for at.risk students, Eric: ED 4309480.
- Jansen. M, kreiner.S. (1994) **Denmark system of education**, From the International encyclopedia of education Husen.T. (editor) New York.
- Jimerson.S.R. (2001) **Meta analysis of grade retention research, implication for the practice in the 21 st century**, school psychology review, vol 30.
- Jimerson. S. R. (1999) **On the failure of the failure**, Journal of school psychology, vol 37. No 30.
- Kanaya. T. (1994) **Japan system of education**, From the International encyclopedia of education Husen. T. (editor) New York.
- Martin. E, Faxes. Y. F (1994) **Cuba system of education**, From the International encyclopedia of education, Husen. T. (editor) New York.

- North central Reginal Education Laboratory; **Alternative to social promotion and grade Retention**, www.Ncrel.org
- Niklason. L. B. (1987), Do certain Grops of children profit from a grade retention, Eric: Ej 364549.
- N, Echougam.sonou. C.H; (2001) **Automatic promotion or large- scale Retention**, International journal of education development, Vol 21.
- Owings.W.A; kaplan.L.S. (2001) **Standard, retention and social promotion**, National association of secondary school principals.
- Penkins. M.et al (1999) **Reflection on retention and social promotion**, Eric: Ej 591079.
- Pouliot.T.(1999) **Adouble method aproch for a double need: to describe teacher belifes about grade retention**, Eric: Ed 429946.
- Smith.M.shepard.L.A. (1989) **Explaining policies retention in early grades**, Eric: Ej 359345.
- Steiner. K. (?) **Retention and social promotion**, Eric: ED 207899.
- Tanner.C.K. Combs.F. E (1993) **Students retention policy: the gap between research and practice**, Eric: Ej 493677.
- White et al (1973) **Failur to be promoted and self concept Among elementary school children**, Eric: Ej. 75519.
- Walters. D. M. et al, (1995) **Students retention: is it effective?** Eric: Ej 500882.
- www.Eurydice.org
- www.ncrel.org
- www.nysd.gov
- www.aft.org
- www.sreb.org
- www.csteep.bc.edu
- www.idra.com
- www.ed.gov/pubs